

#### نگاه

در برنامه کلاسیک‌های کانون کارگردانان و بزرگداشت کیانوش عیاری مطرح شد:

### «شیخ کُزدم»، فیلم کالتِ فیلم‌سازان است

در ادامه برنامه کلاسیک‌های کانون کارگردانان سینمای ایران، بزرگداشت کیانوش عیاری با نمایش فیلم «شیخ کُزدم» با همکاری موزه سینمای ایران برگزار شد. در این برنامه از کیانوش عیاری، سالار عشقی (کارگردان پیش‌کسوت سینمای ایران) و ولاد طاهری (مدیر فیلمخانه ملی ایران) تقدیر و نشان سیاس موزه سینما به آنها اهدا شد. به گزارش پایگاه خبری موزه سینمای ایران، برنامه کلاسیک‌های کانون کارگردانان سینمای ایران، کیانوش عیاری با «شیخ کُزدم» به همت کانون کارگردانان سینمای ایران و موزه سینمای ایران و با همکاری فیلمخانه ملی ایران، غروب روز پنجشنبه، ۲۹ آبان سال جاری در سالن سینماکوراف موزه سینمای ایران برگزار شد. کیانوش عیاری، حسن رضایی، فاطمه محمدی، لادن طاهری، محمد متوسلانی، غلامرضا موسوی، محسن امیریوسفی، محمد موقی، وحید موسائیان، ذبیح‌الله رحمانی، مهدی جعفری، سالار عشقی، احمد امینی، ماهور موسائیان و محمدرضا رحمانی از جمله حاضران در رویداد بودند. در ابتدا، اصغر نعیمی بیانیه کانون کارگردانان سینمای ایران درباره «شیخ کُزدم» را قرائت کرد: «شیخ کُزدم» از آن فیلم‌هایی است که شاید در سینمای ایران، کم‌ساخت و کم‌حرف باشد، اما اثرش بر نسل فیلم‌سازان بعد از خود غیرقابل انکار است. کیانوش عیاری در این فیلم، نه‌تنها یک داستان جنایی-عاشقانه می‌گوید، بلکه جسارت تجربه‌گرایی‌اش را در اوج جوانی نشان می‌دهد. از بازی با فرم و زبان تا روایت لایه‌لایه‌ای که هیچ‌وقت خودش را کامل لو نمی‌دهد. این فیلم، نمونه‌ای است از اینکه چگونه می‌توان با امکاناتی محدود، جهانی شخصی و متفاوت ساخت؛ جهانی که هنوز هم برای ما بسیاری از فیلم‌سازان الهام‌بخش است. «شیخ کُزدم»، بیش از آنکه یک فیلم جنایی باشد، تعریفی است بر کشف ذهنیت یک فیلم‌ساز؛ مواجهه با شیخ‌هایی که از دل واقعیت و خیال بیرون می‌آیند. این نمایش، فرصتی برای بازخوانی کارنامه کیانوش عیاری از نقطه‌ای است که شاید کمتر درباره‌اش حرف زده‌ایم. نقطه‌ای که در آن هم رگه‌های جسارت آینده‌اش دیده می‌شود و هم صداهای خاص دوران آغاز فیلم‌سازی، سپس نعیمی از کیانوش عیاری کارگردان «شیخ کُزدم»، حسن رضایی بازیگر این فیلم، و محسن امیریوسفی کارگردان و عضو شورای مرکزی کانون کارگردانان سینمای ایران دعوت کرد تا پشت ترینور قرار بگیرند. اصغر نعیمی در بخش دیگری از صحبت‌هایش «شیخ کُزدم» را حدیث نفس همه فیلم‌سازان دانست و گفت: «من معتقدم برای همه فیلم‌سازان، این فیلم خاص است از این جهت که ضمن روایت داستان، می‌تواند حدیث نفس هر فیلم‌سازی باشد». کیانوش عیاری در تشریح تلاش‌هایش برای انجام صداگذاری سر صحنه در «شیخ کُزدم» گفت: «این فیلم در سال ۱۳۴۵ ساخته شد و من به‌مدت شش ماه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بنیاد سینمایی فارابی دودگی داشتم تا بتوانم آنها را متقاعد کنم که مشکل یکی از شرافت‌های گذشته سینمای ایران به عنوان صداگذاری سر صحنه برطرف و این بتواند انجام شود. مسئولان سینمای ایران در آن دوره معتقد بودند که با صداگذاری سر صحنه، هزینه تولید فیلم به این شکل گران درمی‌آید که از نظر من، سخن بیهوده‌ای بود و اشکالی نداشت اگر هزینه تولید فیلم برای ارتقای کیفیت پلان‌ها اندکی افزایش پیدا کند. در نهایت بالاخره موفق به شروع تولید بعد از شش ماه شدم». این کارگردان راجع به نحوه واکنش حسن رضایی بعد از قهیمدن اینکه قرار است صداگذاری سر صحنه انجام شود، عنوان کرد: «زمانی که می‌خواستیم فیلم را بسازم، او کاندیدای اصلی بازی در آن نقش بود. وقتی به او گفتیم قرار است صداگذاری سر صحنه انجام دهم و تقریباً دو روز قبل از شروع تولید بود، به شکل جدی در اتاق من گریه کرد. او گفت من نمی‌توانم این کار را انجام دهم و من شروع به خندیدن کردم. او گفت که اجازه دهید من در فیلم نباشم». سپس وی‌توپی پخش شد که به معرفی کهنسال‌ترین کارگردان سینمای ایران، سالار ششتی می‌پرداخت و اصغر نعیمی در سخنانی کوتاه راجع به این فیلم‌ساز کهنه‌کار گفت: «این کارگردان کهنسال ایران است و قدیمی، نه‌تنها کهنسال‌ترین کارگردان در قیاد سینما ایران هستند، حتی می‌توان گفت کهنسال‌ترین سینماگر در قید حیات سینمای ایران هستند. طوری که من رصد کردم منصور سپهرنیا، بازیگر خوب سینمای ایران تا به حال، با ۹۴ سال سن رکورددار بودند و خدا را شکر که جناب ششتی با ۹۷ سال سن، سالم و سلامت در جمع ما هستند». او در توصیف واکنش لادن طاهری، مدیر فیلمخانه ملی ایران، پس از دیدار نخست با سالار عشقی عنوان کرد: «لادن طاهری از عاشقان بی‌ادعای سینمای ایران است و خنودم شخصه در طول این سال‌ها دیم که چگونه ضمن حذف خودشان از رسانه‌ها، تمام زندگی‌شان را در فیلمخانه ملی ایران صرف حفظ و نگهداری میراث به‌جامانده از سینما کردند و هم‌اکنون ترمیم آثار به‌جامانده از سالار عشقی را آغاز کرده‌اند. زمانی که جناب عشقی به دعوت مدیریت به موزه سینمای ایران آمدند که هم بازدیدی از موزه داشته باشند و هم در پروژه تاریخ شفاهی شرکت کنند، در مواجهه‌ای که بین ایشان و لادن طاهری پیش آمد، مدیر فیلمخانه از شوق و شغف دیدن این فیلم‌ساز قدیمی که کنجینه سینمای ایران است، اشک از چشمانش سرازیر شد و واقعا این احساس زلال و صادقانه من، در تحت تأثیر قرار داد». سپس با حضور کیانوش عیاری فیلم‌ساز، وحید موسائیان، لادن طاهری مدیر فیلمخانه ملی ایران، محمد متوسلانی بازیگر و کارگردان، غلامرضا موسوی کارگردان و فاطمه محمدی مدیرعامل موزه سینمای ایران از این هنرمند قدیمی با اهدای کارت عضویت افتخاری کانون کارگردانان سینمای ایران، تقدیر کرد. کانون کارگردانان سینمای ایران و لیوح سباح موزه سینمای ایران تجلیل شد. در ادامه فاطمه محمدی در توصیف اهمیت فیلمخانه ملی ایران برای سینمای ایران عنوان کرد: «فیلمخانه ملی ایران، کنجینه آثار سینمایی ایران و حتی برخی آثار سینمایی بین‌الملل و جز، پنج کنجینه اصلی تصویر در جهان است. موزه سینما هم در همسایگی آن، کنجینه سینمایی کشور از جهت اسناد، اقلام موزه‌ای و جوایز است. از لحاظ اقلام موزه‌ای، این موزه در زمره ۱۵ موزه برتر سینمای جهان قرار دارد، زیرا همه اقلام موزه‌ای دارای سن هستند در حالی که اقلام موزه‌ای برخی موزه‌های کشورهایی پیشرو در صنعت سینما، سند ندارند یا اسناد آنها یکی است. در موزه سینمای ایران هرچه وجود دارد، با سند و باصالت است. از این دو کنجینه بزرگ در تمام این سال‌ها یک شیرزن مراقبت کرده است. همان‌طور که جناب نعیمی گفتند او از رسانه‌ها دور بوده و زن در سایه سینمای ایران است و اگر می‌دانستند چنین مراسمی برای او برگزار می‌شود اجازه نمی‌دادند. بنابراین فرصت را غنیمت شمردم و آنجا که او به شوق جناب سالار عشقی روی صحنه آمدند و موزه سینمای ایران و کانون کارگردانان سینمای ایران همواره به دنبال فرصتی برای قدردانی از او بودیم که هیچ‌وقت نپذیرفت برای او بزرگداشتی برپا شود یا تقدیری در شان و منزلت‌ش صورت بگیرد، در اینجا خطاب به لادن طاهری می‌گویم که ما داستان را می‌بوسیم و شما برای ما، خیلی عزیز هستید. این نشان سپاس را از طرف همه همکاران‌تان در موزه سینما تقدیم شما می‌کنیم و همیشه زیر سایه‌تان هستیم». سپس با حضور احمد امینی، منتقد سینما و فیلم‌ساز و همسر لادن طاهری در جمع هنرمندان حاضر روی صحنه، نشان سپاس موزه سینمای ایران به لادن طاهری مدیر فیلمخانه ملی ایران اهدا شد. لادن طاهری طی سخنانی کوتاه گفت: «همه کسانی که مرا می‌شناسند، می‌دانند که همواره و در طول سال‌ها فعالیت در فیلمخانه ملی ایران از قرارگرفتن در چنین موقعیتی‌هایی پرهنر کرده‌ام. ولی همیشه این واقعیت را به یاد می‌آورم که سینماگران به کشورم، عزیزترم حاصل تلاش و عرق‌ریزان روح و جسمشان، یعنی آثارشان را برای نگهداری به فیلمخانه ملی ایران می‌سپارند یا ارزش‌ترین حاصل و ثمره کارم دانسته‌ام. من مفتخرم به اینکه هنرمندان سینمای ایران همواره جایگاه فیلمخانه ملی را قدر نهاده‌اند. به این دلیل که می‌دانستند در اینجا، همکاران من با عشق و علاقه فراوان و بدون هیچ چشمداشتی، از دست‌رنج فکر، مغز، اندیشه، وقت و روح سینماگران به بهترین شکل نگهداری خواهند کرد. و بالاخره اینکه در این لحظه خوشحال و مفتخرم چون در جمعی حضور دارم که همه آنها، فیلمخانه ملی ایران را تگین سینمای ایران می‌دانند و بارزترین چیزی که در زندگی حرفه‌ای و هنریشان دارند، یعنی فیلم‌هایشان را برای نگهداری و محافظت به فیلمخانه ملی ایران می‌سپارند».

**بهناز شیربانی**: موضوع حذف پروانه ساخت و مطالبه سینماگران در این باره، طی سالیان متمادی اتفاق تازه‌ای نیست. نگاه سلیقه‌ای به فیلم‌نامه‌هایی که برای پروانه ساخت به ارشاد ارائه می‌شوند از پیرنگ‌ترین موضوعاتی است که سینماگران به آن معترض هستند. چندی قبل طی یک بیانیه این موضوع بار دیگر به رأس بحث‌های داغ سینمایی بازگشت و کانون کارگردانان سینمای ایران، انجمن فیلم‌نامه‌نویسان سینما، انجمن صنفی فیلم‌برداران، انجمن صنفی طراحان فیلم، انجمن صنفی بازیگران سینما، انجمن صنفی صدابرداران و صداگذاران، انجمن صنفی تدوینگران، انجمن صنفی دستیاران فیلم‌برداران، انجمن صنفی طراحان فنی و مجریان صحنه، انجمن صنفی کارگردانان مستند، انجمن صنفی عکاسان سینما، انجمن صنفی نمایشان صحنه، انجمن تهیه‌کنندگان سینمای مستند، انجمن صنفی بازیان انجمن تهیه‌کنندگان فیلم‌نامه و دستیاران کارگردان، انجمن صنفی چهره‌پردازان، انجمن صنفی سازندگان فیلم کوتاه، انجمن صنفی کانون پخش‌کنندگان فیلم، انجمن منتقدان و نویسندگان سینما و انجمن صنفی تهیه‌کنندگان مستقل سینما خواستار حذف پروانه ساخت آثار سینمایی شدند. پس از این مطالبه جمعی هیئت‌رئیس خانه سینما با انتشار متنی مواضع این نهاد صنفی را اعلام کرد. در این متن آمده است: «با توجه به بیانیه‌های کانون کارگردانان و انجمن فیلم‌نامه‌نویسان در حمایت از حذف شورای پروانه ساخت و ممیزی فیلم‌نامه و اعلام حمایت دیگر صنوف سینمایی از این طرح که آن را اقدامی دلسوزانه، مسئولانه و در راستای تحقق وعده‌های انتخاباتی رئیس‌جمهور و دولت چهاردهم می‌دانیم، یادآوری می‌کنیم نمایندگان هیئت‌رئیس خانه سینما، ماه‌ها قبل در جلسات متعدد و مستمر، پیگیر اجرای این مطالبه صنفی بوده و گفت‌وگوهای جدی با مدیران سازمان سینمایی در این زمینه داشته است. در این مدت، مذاکراتی نیز با شورای عالی تهیه‌کنندگان صورت گرفته و آن‌شورا نیز طرحی را ارائه داده که شامل برخی ابهامات است، قرار بر این بود در جلسه‌ای مشترک، این موارد با حضور نمایندگان شورای عالی مورد بررسی قرار گیرد، اما متأسفانه این نشست هنوز برگزار نشده است. خانه سینما ضمن تأکید بر موضع روشن خود در حمایت از حذف شورای پروانه ساخت، همچنان در حال مذاکره با مدیران سازمان سینمایی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر نهادهای مرتبط است تا حقوق حرفه‌ای سینماگران رعایت شود. امیدواریم در چند هفته آینده، این گفت‌وگوها به نتایج مطلوب و مورد نظر صنوف تابعه خانه سینما منجر شود. ما عمیقاً ناور داریم که عبور از نظام ممیزی پیشینی و جایگزین‌کردن اعتماد به سینماگر ایرانی، گامی ضروری، رو به جلو و درخور شان جامعه فرهنگی و هنری کشور است».

شورای عالی تهیه‌کنندگان سینمای ایران نیز در بیانیه‌ای تأکید کرد: «شورای عالی تهیه‌کنندگان سینمای ایران، با ادای احترام به دغدغه‌های صنفی خانه سینما و دیگر نهادهای همکار، درباره مطالبات اخیر پیرامون حذف پروانه ساخت و شیوه صدور مجوز تولید، ضمن تأیید اصل درخواست، نکات ذیل را به استحضار جامعه سینمایی می‌رساند. ۱- شورای عالی تهیه‌کنندگان اعتقاد دارد مطالبه حذف پروانه ساخت، بدون ارائه طرحی جامع و کارشناسی‌شده با همکاری مستقیم اصناف مسئول، نه‌تنها به سامان‌یافتگی سینمای ایران نخواهد انجامید، بلکه می‌تواند نظام تولید و سرمایه‌گذاری در سینما را دچار آتشفنگی کند، چراکه تجارب گذشته نشان داده است تحقق چنین تصمیم‌هایی تنها با صدور بیانیه و ایجاد فضای هیجانی میسر نیست و چه بسا با ایجاد حبابوه و متشنج‌شدن جو عمومی و ورود مراجع و نهادهای مربوط و نامربوط دیگر، این حق مسلم صنفی و ضمانت اجرایی آن با مشکلات روبه‌رو شده و گاه ناممکن شود. ۲- به لحاظ مسئولیت‌های قانونی و ضمانت‌های دوجانبه فی‌مابین نهاد دولتی و مجری تولید، فرایند «پروانه ساخت»، مستقیماً به تهیه‌کننده به عنوان مسئول اجرایی برمی‌گردد، لذا توجه خانه سینما به عنوان نهاد فراگیر صنفی به دیدگاه تهیه‌کنندگان کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. مضاف بر آنکه نظرات کارشناسی و مکتوب این‌شورا درخصوص چگونگی حذف پروانه ساخت، در کمیته تخصصی مربوطه در جلسات متعدد در طول سال گذشته بررسی و تنظیم و سپس به خانه سینما ارائه گردیده است. این آرا، علاوه بر آنکه در مطالبه حذف فرایند پروانه ساخت با بیانیه‌های صادره از سوی کانون کارگردانان و دیگر تشکل‌های صنفی هم‌سو و هم‌آوا است، راهکار و شیوه عمل اجرایی و قابل انجام برای پیشگیری از حواشی و ضمانت اجرایی انجام این نیاز را نیز ارائه کرده است؛ بنابراین‌شورا تأکید می‌کند که هرگونه تصمیم‌گیری در این سطح، می‌بایست بر پایه طرح اجرایی مشخص، با هماهنگی کلیه عناصر مسئول و تهیه‌کنندگان استوار گردد تا از بروز نابسامانی‌های احتمالی پیشگیری شود. ۳- با وفاق نظری که میان اصناف سینمایی در مطالبه حذف پروانه ساخت پدید آمده است، طبیعی است مسئولیت ضمانت اجرایی این تصمیم را بتوان از خانه سینما درخواست کرد. بدیهی است خانه سینما در انجام این فرایند با همکاری مستقیم نهادهای صنفی مربوطه می‌بایست مسئولیت تبیین و سامان‌دهی موضوعاتی چون شرایط ورود تهیه‌کننده اول، و «کارگردان اول»، نحوه و چگونگی ارتباط فیلم‌سازان با بقیه نهادهای قانونی و همکاری‌کننده را همچون شهرداری، نیروی انتظامی و… در عرصه تولید و جایگاه صنفی مربوطه بر عهده گرفته و پاسخ‌گوی ابهامات و پیامدهای اجرایی ناشی از حذف پروانه ساخت در این عرصه باشد. شورای عالی تهیه‌کنندگان از طول چند سال گذشته، در مجموع و نشست‌های گوناگون -اعم از رسمی (حقوقی) و دعوت‌های فردی (حقیقی)- ضمن تأکید بر تمام‌شدن تاریخ مصرف صدور پروانه ساخت به عنوان نظارت پیشین، نظرات کارشناسی خود را درباره شیوه اجرایشدن حذف آن ارائه کرده و مکان‌بر ادامه گفت‌وگو، تعامل صنفی و تصمیم‌گیری جمعی در مسیر اصلاح ساختارهای تولید است و آمادگی دارد در هر زمان، برای تدوین نظارهی نوبین و کارآمد در زمینه صدور مجوزهای مورد نیاز برای تولیدی بدون نظارت پیشین، همانند گزشته با خانه سینما و سازمان سینمایی همکاری نماید».

#### اختلاف بر سر چیست؟

ابوالحسن داودی، از سینماگران صاحب‌نام سینمای ایران، درباره اختلاف نظرهایی که در راستای مطالبه سینماگران برای

گفت‌وگو با ابوالحسن داودی درباره خواسته سینماگران در راستای حذف پروانه ساخت

# رفتار صنفی با رفتار سیاسی تفاوت دارد



ابوالحسن داودی

حذف پروانه ساخت صورت گرفته است، به «شرق» گفت: «واقعیت این است که گاهی شرایط اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بیرونی مثل فشار اقتصادی یا سیاسی یا در وجه تخریبی‌تر متأسفانه «منافع شخصی»، مثل آنچه در وجه بیرونی مسئله مشترکی مثل مطالبه حذف پروانه ساخت همین الان به وجود آمده، باعث می‌شوند آدرس موضوعاتی که مسئله و مشکل جمع صنفی است و بایستی در کنش آن جمع بروز کند، به سهو و گاه متأسفانه به نفع و نفع‌اندازی و با تبدیل ضروری پروانه ساخت و ممیزی فیلم‌نامه و تدوینگران نیز با شورای عالی تهیه‌کنندگان از حیز انتفاع ساقط‌شدن مطالبه می‌شوند و مضاعف بر آن، باعث بروز اختلافاتی بی‌پایه و کذب در صنف همکار و شریک می‌شوند که وقتی به اصل و سرمنشا اختلاف رجوع می‌کنید نمی‌توانید پیدا کنید که اصلاً اختلاف بر سر چیست! و شاید مهم‌ترین مثال این کنشگری به حق مورد سوءاستفاده قرار گرفته، همین «مطالبه حذف پروانه ساخت» است.

او ادامه داد: هیچکاک در ساختار فیلم‌هایش اصطلاحی فنی دارد به نام «مک کافین» که در داخل فیلم همه شخصیت‌ها به دنبال آن هستند، اما از نظر مخاطب فیلم می‌بنا و بی‌اهمیت است. پروانه ساخت مدت‌هاست که به دلیل ازدست‌دادن معنا و تاریخ مصرفش حتی برای حکومت، به یک «مک کافین» تبدیل شده، به‌ویژه وقتی سدی قانونی‌تر و بزرگ‌تر به نام «پروانه نمایش» هنوز وجود دارد.

«از هر زاویه‌ای به این مطالبه که نگاه کنیم، پروانه ساخت چه از وجه نگاه صنفی و چه دولتی، با پروانه نمایش که یک پروسه کاملاً قانونی و تثبیت‌شده دارد، متفاوت است. نزدیک به بیست و چند سال قبل و از دوم خردادی که مرحوم سفیال داد مسئولیت معاونت سینمایی را عهده‌دار شد، یکی از مسائل اصلی مباحث پروانه ساخت بود. یعنی از همان زمان بحث حذف پروانه ساخت کاملاً به شکل جدی به عنوان بحث مشترک بین صف و دولت مطرح شد و آن دوران در ساختاری عمل‌گرایانه و بدون جنجال، آمیختگی صنف و دولت مبدع تجربیاتی شد مبنی بر اینکه فیلم‌سازان شکل کاملاً جدید و مؤثری از پروانه ساخت اختیاری را نزدیک به یک سال و اندی تجربه کردند و توانستند بسیاری از فیلم‌نامه‌ها را فقط با امضای سه کارگردان و بدون طرح‌شدن در شورای پروانه ساخت به فیلم تبدیل کنند و ما با این شیوه توانستیم از سانسور پیشگیرانه‌ای که جاری بود و مانع، گذر کنیم. البته بعد از آن دوره کوتاه، شورای پروانه ساخت با تغییر دولت، دوباره به همان مسیر اولیه برگشت و گاهی در بخش‌هایی خیلی پررنگ‌تر از قبل این شکل سانسور غیرقانونی پیشگیرانه را ادامه‌دار کرد».

تهیه‌کننده و کارگردان فیلم سینمایی «آدایوم»، در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «حتی در دوره‌های بعدتر، غیر از شورای پروانه ساخت، یک شورای تطبیق هم به وجود آمد و اعضای آن شورا با سلیقه‌ها غالباً یک‌وجهی خودشان، خط به خط فیلم‌نامه را با شکل اجرایشده در فیلم تطبیق می‌دادند و در صورت هر عدم تطابق، حتی در یک صحنه، مانع از ارائه فیلم به شورای پروانه نمایش می‌شدند! بالطبع این تبدیل شده بود به یک تلاش مضحک بیهوده و بی‌حاصل، چراکه هیچ‌گاه و در هیچ شرایطی، حتی در فیلم‌سازی هالیوودی هم امکان ندارد فیلم‌نامه را نعل به نعل به همان شکل نوشته‌شده به فیلم تبدیل کنند. به هر حال، سدی به نام پروانه ساخت که هنوز هم وجود دارد و مقاومتی که دولت‌ها در مقابل حذف و بسامان‌دادن آن دارند، به خودشان هم نگاه‌کننده قانونی‌اش رباریشان روشن نبود و بیشتر یک آیین‌نامه بود مربوط به دوره‌ای در گذشته، عملاً باعث شد در شرایط حاضر بارها و بارها بدون اینکه خودمان خواسته باشیم، صنف و حکومت در مقابل هم قرار بگیرند».

او ادامه داد: «ما در صنف و در چند دهه گذشته این تجربه را پیدا کردیم که رفتار صنفی با رفتار سیاسی یک تفاوت بسیار اصولی دارد. رفتار صنفی یعنی اینکه شما بیش از هر کنشی به سمت عمل‌گرایی حرکت کنید و سوگیری و رفتار و تصمیمات‌تان به‌گونه‌ای باشد که به عمل و اجرای خواسته‌تان بینجامد. بنابراین باید واقعیت‌هایی را که در ساختار دولت‌ها هست، بفهمید و درک کنید. همین که الان به چه کسی طرف هستیم؟ اگر دولت قرار است تصمیم بگیرد و این حق به او داده شده باشد که مثلاً پروانه ساخت را کنار بگذارد، باید کاری کنیم که این کار به هر شکل ممکن به انجام برسد. چیزی که در این رفتارهای اخیر متأسفانه به وجود آمد، بیشتر شبیه رفتاری پوپولیستی بود».

کارگردان فیلم سینمایی «رخ دیوانه» ادامه داد: «ما هم در انجمن تهیه‌کننده-کارگردان‌ها و هم در کانسون کارگردانان و هم در بخش عمده‌ای از تهیه‌کنندگان، به‌جد معتقد بودیم و هستیم که این پروانه ساخت تاریخ‌مصرفش تمام شده و باید به هر شکل ممکن برداشته شود. اما فایده اول این برداشته‌شدن باید این باشد که موانع اولیه تولید حذف شده و از آتشفنگی مراحل انجام آن جلوگیری شود. بنابراین حتما باید برنامه‌ای برای بعد از آن وجود داشته باشد. این برنامه هیچ ارتباطی به حفظ آن وجه سانسوری پروانه ساخت ندارد. ما در تمام این مدت بیشتر از همه دواستانی را امضا جمع کرده و فکر کردند باقی تهیه‌کنندگان مخالف این قضیه

هستند، موافق برداشتن پروانه ساخت بودیم و تمام سعی‌مان را کردیم که این اتفاق بیفتد. یعنی پروانه ساخت با عنوان وجه سانسوری‌اش حذف شود. این به طور کامل و قطعی باید اتفاق کامل و کنارکشیدن احتمالی وزارت ارشاد از مسئولیت‌هایش جلوگیری شود. یعنی باید با وزارت ارشاد به این تعامل برسیم که بخش عمده‌ای از مسئولیت‌هایی که در این زمینه برای خودشان متصور شده‌اند، فقط در راستای اجرای نظارت و سانسور و اعمال سلیقه‌های مختلف نیست، بلکه در راستای راحت‌کردن مسیر کار فیلم‌ساز است. من خیلی متأسفم که بگویم دو، سه نفر، که بیشتر منابع شخصی را نگاه می‌کردند، این خواست را تبدیل به یک رفتار پوپولیستی کردند که تمام تلاش چندساله انجمن تهیه‌کننده-کارگردان‌ها و شورای عالی تهیه‌کنندگان و تشکل‌های تهیه‌کنندگی را تقریباً می‌شود گفت به باد دادند؛ چراکه ما با شرایطی روبه‌رو بوده و هستیم که حذف پروانه ساخت را باید دولت انجام بدهد و در این‌زمینه طبعاً باید کاری کنیم که اجازه ندهیم آن عناصر فراطبیعی این‌همه‌ای که بیرون هستند و تصور می‌کنند ت‌دادن آنها برای این خواست، باعث صلبه و شانه خالی‌کردن ارشاد از وظایفی است که به شکل مطلق و بدون تاریخ در اختیارش قرار گرفته و نباید به‌هیچ‌عنوان از آن کنار بگشد، ریزین شوند و وارد میدان شوند و شرایطی را فراهم کنند که کل پروژه‌ای در حال انجام‌شدن بود از بین برود».

داودی در بخش دیگری از گفت‌وگو، درباره رویکرد کانون کارگردانان نسبت به حذف پروانه ساخت گفت: «من ابوالحسن داوودی، کارگردان تهیه‌کننده، اگر قرار باشد به عنوان نظر شخصی چیزی را مطرح کنم، مطمئن باشید به هر شکل ممکن اعتراض خودم را بیان می‌کنم که پروانه ساخت به‌طور مطلق باید برداشته شود. اما به عنوان مسئول صنفی و کسی که در موقعیت عمل‌گرایانه و نه آرمان گرایانه‌اش، به امکان اجرایی‌شدن آن هم فکر می‌کند، سعی می‌کنم با روش تعاملی‌تری به این هدف برسیم. شما با دولتی که ۴۰ سال عادت کرده سلیقه‌های شخصی را در قالب یک قانون نانوشته عرضه کند، چگونه باید این را به مسیر دیگری برید که دولت خواسته‌های صنف را تمام و کمال انجام بدهد؟ این دو کاملاً با هم متفا هستند و اینجاست که فکر می‌کنم اگر رفتار برخی عوامل بیانی‌پرست را به کجا رسید، ۳۰۰ امضایی که به لحاظ بی‌حاصلی این رفتارها و هزینه‌دادن‌شان از کیسه هويت و اعتبار سینماگران بیشتر پی می‌بریم، کافی است یک بار رجوع کنید به بیانیه‌ای که همان می‌کنم دو سال قبل منتشر شد و به ۳۰۰ امضا از شاخص‌ترین عوامل سینمای ایران، چه در داخل و چه در خارج، مزین شده بود و دقیقاً همین حذف پروانه ساخت را مطالبه می‌کرد، برپسید به کجا رسید؟ ۳۰۰ امضایی که به لحاظ وزنی اگر روی سنگ هم می‌گذاشتند، آن را آب می‌کرد، کجا خرج شد؟ به چه نتیجه‌ای رسید؟ آیا در تصمیم دولتی‌ها در این زمینه اثری داشت؟ به نظر من هزینه‌کردن از هويت سینما بدون سیر به نتیجه، خدمت نیست، بیشتر شبیه خیانت است. او ادامه داد: «ما به‌شدت نیاز داریم از هويت کل سینمای ایران حفاظت کنیم، به لحاظ اعظمش را همین گروه‌های شاخص تشکیل می‌دهند. یعنی همین چهره‌ها و شخصیت‌هایی که صاحب امضا هستند و به شعارها اعتماد می‌کنند و در کنش‌اش می‌ایستند. اعتقاد اول شورای عالی تهیه‌کنندگان و انجمن تهیه‌کننده-کارگردانان، عمل‌گرایی است و تفاوتش با بیانیه‌پرستان صرف در این است که اگر به چیزی مثل مطالبه حذف پروانه ساخت اعتقاد داریم، نیل به هدف کامل، برای ما مهم‌تر از جنجال و هیاهو است؛ وگرنه از بیست و چند سال قبل، هم در صف و هم متشکل‌مان، موافق حذف پروانه ساخت بودیم و هستیم و خواهیم بود.

چون به اتحاد فکر می‌کنیم، پروانه ساخت از همان زمان یک عنصر زائد و اضافی بوده که به نام قانون و در واقعیت بنا بر تفاوت‌های روشی هر دوره، با سلیقه سیاسی-مدیریتی آن دوره اعمال می‌شده و البته هنوز هم می‌شود و الزاماً باید حذف شود؛ چراکه به‌کلی تاریخ‌مصرف‌ش را از دست داده است».

از دست داده است.

از دست داده است.

#### گزارش

**بلتفرمی که کودک همسری را ممکن می‌کند**

**بازاریابی برای ازدواج کودکان**

مشکلات اقتصادی و فرهنگی یکی از دلایل اصلی ازدواج‌های زیر سن قانونی است. سحر خواجه‌وند، مدیر واحد حقوقی انجمن حمایت از حقوق کودکان، تأکید می‌کند که تشکیل خانواده باید بر پایه عقل باشد و به «شرق» می‌گوید: «روح کلی حاکم بر قوانین کشور مادر این زمینه، متمرکز بر حمایت از خانواده است، با اینکه در حال حاضر منع قانونی و شرعی برای ازدواج کودکان نداریم، این موضوع یکی از آسیب‌های مهم اجتماعی است و باید در اجرای قانون مراقب باشیم که شکل آن به روش خدشه وارد نکند. از قانون اساسی که در اصل دهم آن به بیان اهمیت استواری و پایداری نهاد خانواده پرداخته شده و در اصل بیست‌ویکم، دولت موظف به ایجاد زمینه‌های مناسب برای رشد شخصیت زن و احای حقوق او شده است، تا قوانین مدنی و حمایت خانواده و برنامه‌های توسعه و پیشرفت کشور، همه دلالت بر لزوم ایجاد شرایطی دارند که تشکیل خانواده بر پایه عقلانیت و با هدف پایداری از اتفاق افتد». این وکیل و هدف حقوق کودک درباره وضعیت ازدواج‌های کودکان توضیح می‌دهد: «آمار رسمی نرخ موفقیت ازدواج در سنین کودکی و نوجوانی را باید از قوه قضائیه بخواهیم، اما همه می‌دانیم این شیوه به چه نتایج بعضاً فاجعه‌باری در کشورمان منجر شده است. موضوع دیگر درباره بازاریابی برای کودک‌همسری، کودکان در شرایط نامناسب اقتصادی زندگی می‌کنند، این موضوع نسبتی با تشکیل خانواده‌ای که مدنظر قانون اساسی و برنامه‌های توسعه و پیشرفت کشور است، ندارد و برعکس منجر به نقض حقوق اشخاص و ایجاد هزینه روانی و اجتماعی می‌شود».

##### قانونی برای سوءاستفاده

رضا شفاخواه، وکیل فعال حقوق کودک، وضعیت قانون ازدواج کودکان در ایران را بحرانی و نیازمند اصلاح قوی می‌داند. او در گفت‌وگو با «شرق» توضیح می‌دهد: «ایران تنها کشوری است که در قانون خود حداقل سن ازدواج قطعی ندارد. بعد از انقلاب، ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی تغییر و شورای نگهبان آن را غیرشرعی اعلام کرد. در حال حاضر سن بلوغ در دختران ۹ سال تمام قمری است، در پسران ۱۵ سال تمام قمری است، اما هیچ حداقل قانونی برای ازدواج تعیین نشده است». شفاخواه به تلاش‌های قبلی مجلس برای اصلاح این وضعیت اشاره می‌کند: «چند سال پیش، فراکسیون زنان مجلس، با تلاش برخی، لایحه‌ای برای تعیین حداقل سن ازدواج ارائه کرد که شکست خورد. نمایندگان این لایحه را حتی غیرشرعی و امنیتی قلمداد کردند». او درباره شرایط قانونی فعلی هم توضیح می‌دهد: «طبق قانون، ازدواج زیر ۱۳ سال در دختران و زیر ۱۵ سال در پسران فقط با تشخیص صحت دادگاه و با اذن ولی امکان‌پذیر است. یعنی ازدواج ممنوع نشده، بلکه منروط شده است. متأسفانه در بسیاری از مناطق محروم، این موضوع به یک خرده‌فرونگ اشتباه تبدیل شده و اغلب مصداق برده‌داری و استثمار جنسی کودکان است». شفاخواه درباره پیامدهای همسری این معضل می‌گوید: «بحث کودک‌همسری در ایران با موضوعات امنیتی و جمعیتی گره خورده است. ازدواج کودکان نه‌تنها خانواده‌ها را مستحکم نمی‌کند، بلکه خرجه‌ای از آسیب‌های اجتماعی ایجاد می‌کند؛ از محرومیت از تحصیل و ورود به کارهای سخت، تا مادرشدن در سن کم و افزایش خطر اعتیاد و فقر. بسیاری از کودکانی که در حاشیه شهرها کار می‌کنند و بدون هویت‌اند، حاصل همین ازدواج‌های زودهنگام هستند. این یک خرجه است که بارها بازتولید می‌شود. او به دواگانی قوانین اشاره می‌کند: «اگر ازدواج با تشخیص صحت دادگاه و اذن ولی انجام نشود، ازدواج غیرقانونی است و کودک در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار می‌گیرد. دادستان مراجع ذی‌ربط، از جمله بهزیستی و دفتر حمایت از حقوق کودکان، موظف به واکنش هستند، اما عملاً این اتفاق نمی‌افتد». براساس اعلام شفاخواه، مرجع ملی حقوق کودک متولی نظارت بر اجرای کنوانسیون حقوق کودک در ایران است. دبیر و رئیس این مرجع باید به ازدواج کودکان اعتراض و تلاش کنند قانون حداقل سن ازدواج تصویب شود. این موضوع بارها در مجلس مطرح شده، اما شکست خورده است و نمایندگان طرح را غیرشرعی و امنیتی خوانده‌اند. ما از یک طرف قانونی برای تعیین حداقل سن ازدواج نداریم و از سوی دیگر، حتی ازدواج کودکان شیرخوار مشروط به اذن ولی و تشخیص صحت دادگاه است. اگر این شرایط رعایت نشود، ازدواج غیرقانونی است و مقامات ذی‌ربط باید فوراً وارد عمل شوند.